

# دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان داوری ورزش در تنسيق رویه بین‌المللی در این زمینه

آرامش شهبازی<sup>۱</sup>

پویا برلیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۹

جهانی شدن موضوع نمی‌شناسد؛ به همان ترتیب که مرزها را در می‌نوردد و فرهنگ‌ها و انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند، به همان سرعت که اقتصاد هر نقطه از جهان را به نقطه دیگر پیوند می‌زند و به همان شیوه که هر روزه بر وسعت و قلمرو دهکده جهانی می‌افزاید، موجبات همگرایی قوانین و مقررات موجود در موضوعات و حوزه‌های مختلف را نیز فراهم می‌سازد. چنین روندی با پذیرش واگرایی قوانین ملی که در نوع خود نمود تکثر موضوعی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، با خلق اصول و قالب‌هایی مشترک در میان موضوعات و حوزه‌های مختلف، زمینه همگرایی و وحدت این حوزه را فراهم می‌سازد. دیوان داوری ورزش در حوزه حقوق بین‌الملل ورزش، با رویه قضایی خویش و توسل به برخی اصول و هنجارهای مشترک، هرچند تنها در اندازه یک دیوان داوری به حل و فصل اختلافاتی که به طور اختیاری به این مرجع واگذار می‌شوند در راستای تحقق چنین هدفی گام بر می‌دارد، لیکن اثبات نموده است که در راستای روند جهانی شدن و در تلاش برای تثبیت برخی اصول مشترک به عنوان یک مرجع داوری مناسب در مقوله حقوق بین‌الملل ورزش از عهده کار ویژه‌اش برخوردار آمد. در این مقاله با تأملی بر رویه قضایی دیوان در زمینه دوپینگ، به تلاش دیوان در تنسيق مقررات ضد دوپینگ در ورزش خواهیم پرداخت. این بررسی مبین آن است که دیوان می‌کوشد تا از رهگذر رسیدگی به چنین قضایایی، به تثبیت قواعد بین‌المللی در این زمینه کمک کند و به عنوان یک مرجع رسیدگی به اختلافات بین‌المللی، نقش مثبتی در این زمینه ایفا نماید.

**واژگان کلیدی:** دیوان داوری ورزش، حقوق بین‌الملل ورزش، فدراسیون بین‌المللی فوتبال، کمیته

بین‌المللی المپیک، کمیته‌های ملی المپیک و دوپینگ

<sup>۱</sup> استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mali: Aarameshshahbazi@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد، حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حقوق بین‌الملل ورزش<sup>۱</sup> (۱) که رفته رفته جایگاه خود را در ادبیات حقوق بین‌الملل تثبیت نموده است، همانند دیگر موضوعات مطرح در این حوزه ضمن پیوند نزدیکی که با حوزه‌های متعددی همچون تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و حقوق بشر برقرار کرده و با تأثیر و تأثر از حوزه‌های مزبور، همچنان در نوع خود با چالش‌هایی جدی روبروست. علاوه بر ساختارهای ملی که هر یک به اقتضای عوامل متعددی به شکل‌گیری حقوق ورزش در سطح ملی انجامیده‌اند، مباحثی که فارغ از مرزهای ملی مطرح می‌شوند و لاجرم پاسخ‌هایی فراملی می‌طلبند، از چالش‌های جدی مطرح در این حوزه محسوب می‌شوند؛ چالش‌هایی که گاه تنها با درک عمیقی از تفاوت میان سیستم‌های حقوق ملی و سیستم حقوق بین‌الملل و تعامل میان این دو در روند جهانی شدن قابل واکاوی و پاسخگویی است. از جمله مباحثی که در حوزه حقوق بین‌الملل ورزش از بعد فرامرزی چالش برانگیز می‌نماید و می‌تواند محکی جدی در راستای ارزیابی قابلیت‌های حقوق بین‌الملل ورزش در راستای برقراری وحدت بیشتر در مجموعه حقوق بین‌الملل در روند جهانی شدن به حساب آید، مسئله دوپینگ (۲) در ورزش است. پرداختن به این مسئله موضوعی مبتلابه در دیوان داورى حقوق ورزش به حساب می‌آید. دیوان مزبور ضمن پرداختن به مباحث متنوع مطرح در مقوله حقوق ورزش، با خلق رویه قضایی قابل توجهی از زمان تأسیس، در تبیین برخی مباحث مطرح و همچنین مساعدت به همگرایی مقررات ملی در این مورد نقش قابل توجهی ایفا کرده است. در نهایت باید اشاره داشت که دیوان داورى ورزش در ساحت حقوق بین‌الملل ورزش با رویه قضایی خود و توسل به پاره‌ای از اصول و هنجارهای مشترک - علیرغم لزوم تأمل جدی تر در رویه این مرجع - نقشی نسبتاً تاثیرگذار ایفا کرده و با تاسی به لزوم تجلی قواعد و اصول مشترک، به ویژه اصول حقوقی مشترک نظام‌های حقوقی ملی، در این زمینه کوشیده تا گام‌های مؤثری به جلو بردارد. جایگاه این مرجع به عنوان یک دیوان داورى، با اتخاذ رویکردهای همگرایانه به ویژه در زمینه دوپینگ در ورزش می‌تواند بستری را برای اعتماد بیشتر به این مرجع و ارجاع قضایای مورد اختلاف در آینده فراهم آورد - که این خود قضاوت در خصوص کارنامه این دیوان را تسهیل کرده و به شکل‌گیری رویه قضایی غنی نیز می‌انجامد. در این

---

<sup>۱</sup> lex sportiva

مجال، با تأمل در برخی مباحث مطرح در این حوزه به بررسی جایگاه این مرجع در تلاش جهت همگرایی قوانین موجود در این زمینه خواهیم پرداخت.

## تأملی در مقابله با دوپینگ تا پیش از دهه ۱۹۹۰ میلادی

اقدامات مختلف برای مقابله با دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزش در صحنه بین‌المللی به خلق یک سیستم جهانی در این زمینه انجامیده است. ساختار اصلی سیستم مقابله با دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزش، کنوانسیون مقابله با دوپینگ در ورزش است که توسط سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در ۱۹ اکتبر سال ۲۰۰۵ میلادی تصویب گردید و در اول فوریه سال ۲۰۰۷ میلادی لازم‌الاجرا شد. (Against Doping in Sport, UNESCO, Oct. ۱۹, ۲۰۰۵, International Convention)

هدف اصلی این سند، مقابله با دوپینگ در ورزش در سطح ملی و بین‌المللی است و طرفین را متعهد می‌سازد تا اقداماتی مقتضی از جمله تصویب، اعمال و نظارت بر اجرای سیاست‌ها و قوانین ضد دوپینگ در سطح ملی به عمل آورند. (مواد ۱ و ۵ کنوانسیون مبارزه با دوپینگ، پیشین) هرچند خلق اسنادی این چنین مبین توجه جدی و ضرورت مقابله مؤثر با دوپینگ در ورزش از سوی سازمان ملل متحد است، در عمل تلاش‌های کمیته بین‌المللی المپیک، به عنوان عالی‌ترین مقام بین‌المللی ناظر بر مقوله ورزش و همچنین آژانس جهانی مقابله با دوپینگ (۱۹۹۹)<sup>۱</sup> (۳) و اعلامیه کپنهاگ (مارس ۲۰۰۳) در زمینه مقابله با دوپینگ در ورزش (World Anti-Doping Agency, <http://www.wada-ama.org>, last visited January, ۲۰۱۶) در سطح بین‌المللی در شکل‌گیری و توجه جدی به این امر غیر قابل انکار است.

به هر حال، دوپینگ در حوزه حقوق بین‌الملل ورزشی مقوله جدیدی نیست. (Donohoe & Johnson, ۱۹۸۶) جدی‌ترین استدلال در مقابله با چنین مقوله‌ای، مقابله با تقلب و کاهش آثار جسمی ناگوار متعاقب دوپینگ است. در سطح بین‌المللی نخستین تلاش جدی در این زمینه به اقدام کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۳۸ میلادی باز می‌گردد. در این سال، کمیته بین‌المللی المپیک اظهار داشت: "هر شخص که اقدامی در راستای استفاده از مواد نیروزا یا مخدر نماید، از حضور در بازی‌های المپیک و دیگر صحنه‌های ورزشی آماتور محروم خواهد شد." (Dirix & Sturbois, ۱۹۹۹: ۱۴) از جنگ جهانی

---

<sup>۱</sup> World Anti-Doping Agency (WADA)

دوم به این سو، دوپینگ به طور جدی‌تر در کانون توجهات جامعه بین‌المللی قرار گرفت. مرگ همزمان برخی دوچرخه‌سواران در نتیجه استفاده از برخی مواد نیروزا در مسابقات ورزشی سال ۱۹۶۰ میلادی، کمیته بین‌المللی الپیک را واداشت تا یک کمیسیون پزشکی را جهت کنترل استفاده ورزشکاران از مواد نیروزا در خلال مسابقات فعال نماید. این کمیته عملاً فعالیت خود را از سال ۱۹۶۸ میلادی در بازی‌های المپیک مکزیکوسیتی و بازی‌های المپیک زمستانی در همان سال آغاز نمود (Ibid, pp. ۱۳-۱۴) و رفته رفته از همین زمان، با توجه پیشرفت‌های تکنولوژیک و تسهیل دسترسی به مواد نیروزا، تلاش‌ها در شناسایی ماهیت معضل (Verroken & Mottram, ۱۹۸۶) و پیش‌بینی راه‌حل‌های ساختاری (Ibid: ۲۳۸) جدی‌تری در مقابله با دوپینگ در صحنه بین‌المللی نیز وسعت یافت. با این حال، به طور همزمان، پیچیدگی معضل دوپینگ در ورزش، به دقت ساز و کارهای تشخیص و مقابله با دوپینگ انجامید که این خود، در سطح ملی معضلاتی را برای دولت‌ها در پی داشت. در واقع، تکنیکی شدن این امر، ضرورت توجه ارکان قانونگذاری، اجرایی و نظارتی (Dubin ۱۹۹۰: ۳۰۹-۳۳۴) بر پدیده دوپینگ در سطح ملی را به همراه داشت که با توجه به ناهمگونی در سطح و میزان توجه به چنین خواسته‌هایی شکاف‌های عمیقی را میان دولت‌ها از حیث توجه و حتی امکان اعمال مقررات و اسناد بین‌المللی مزبور در سطح ملی به همراه داشت. (۴)

در اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی، کمیته بین‌المللی المپیک با توجه به ضرورت انسجام در میان سازکارهای منطقه‌ای و ملی در مقابله با دوپینگ، به این نتیجه رسید که لازم است تا تعریفی دقیق از برخی عناصر و فاکتورهایی که دوپینگ بر اساس آن‌ها تعریف و تبیین می‌شود، به ویژه نقش و عامل قصد و نیت در ارتکاب دوپینگ در ورزش پردازد، چرا که در بسیاری مواقع، ورزشکاران از وجود برخی مواد نیروزا در مواد غذایی یا داروها، مکمل‌های غذایی یا نوشیدنی آگاه نبودند و تنها پس از مثبت بودن نتیجه دوپینگ، به چنین امری پی می‌بردند. این امر به ویژه در جایی که مکلف به استفاده از مواد نیروزا توسط مربیان خود می‌شدند، می‌توانست تبعات نامطلوبی را در نتیجه نا آگاهی از عدم مجوز برای مصرف موارد یاد شده ایجاد کند. (۵) به هر حال، عمده تلاش‌هایی که در این مقطع زمانی صورت پذیرفت، به بار نشست و سال‌ها پس از آن به شکل‌گیری مجموعه قواعدی در این زمینه انجامید.

## **تحول در مفهوم مقابله با دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی در رژیم بین‌المللی ضد دوپینگ**

## در قرن بیست و یکم

سیستم مقابله با دوپینگ، سیستمی مستقل از نظام های حقوقی محسوب می شود. این سیستم از اشخاص خصوصی مانند آژانس جهانی مقابله با دوپینگ، کمیته بین المللی المپیک، فدراسیون های بین المللی ورزشی، کمیته های ملی المپیک، آژانس های ملی ضد دوپینگ و همچنین ورزشکاران تشکیل شده است و هرگونه اختلافی در این مجموعه به جای ارجاع به مراجع قضایی یا داوری ملی از طریق این سیستم و از خلال یک مرجع داوری فرامرزی که مرجعی واحد در حل و فصل اختلافات ناشی از این حوزه می باشد، حل و فصل می گردد.

تلاش های قابل توجه کمیته بین المللی المپیک در مقابله با دوپینگ، توأم با ضرورت توجه به اصول و بنیادهایی که توسط آژانس بین المللی مقابله با دوپینگ مورد تأکید قرار گرفته و همچنین مندرجات اعلامیه کپنهاگ در قالب دستورالعمل هایی اجرایی، گامی جدی به سوی یک رژیم حقوقی مقابله با دوپینگ در سطح بین المللی محسوب می گردد. این مجموعه قوانین و مقررات، در حال حاضر رژیم حقوقی بین المللی مقابله با دوپینگ در ورزش را تشکیل می دهد. به این ترتیب، کمیته بین المللی المپیک و دیگر فدراسیون های بین المللی ورزشی، نهادهای بین المللی مجری بازی های المپیک و همچنین ارگان های ملی مقابله با دوپینگ در ورزش می کوشند تا به منظور مقابله مؤثر با دوپینگ در ورزش، تا حد ممکن از مجموعه مقررات واحدی تبعیت کنند و حل و فصل اختلافات ناشی از این حوزه توسط یک مرجع داوری واحد نیز بر تثبیت و استقرار مجموعه حقوق بین المللی ورزش جهانی کمک شایان توجهی خواهد کرد.

(Jacobs, ۱۹۹۵:۵۸۰)

مجموعه مقررات حاکم بر نحوه مقابله با دوپینگ در حقوق بین الملل ورزش ( World Anti-Doping Code, WADA Code, available at <http://wada-main-prod.s3.amazonaws.com>, last visited January, ۲۰۱۶) که از اول ژانویه سال ۲۰۰۹ لازم الاجرا شده است، سندی مشتمل بر ۲۵ ماده است که به معرفی مقوله دوپینگ در ورزش (مواد ۱ تا ۴ قانون آژانس بین المللی مقابله با دوپینگ)، بیان ساز و کارهای کنترلی برای شناسایی نمونه های دوپینگی، (همان، مواد ۵ و ۶) ذکر استانداردهای حداقلی در طی فرایندهای مقتضی (همان، مواد ۷ و ۸)، تعیین مجازات های مناسب (همان، مواد ۹ تا ۱۲) و تعیین امکان تجدید نظر در تصمیمات اتخاذ شده (همان، ماده ۱۳) می پردازد. به علاوه، این مجموعه مقررات به بیان نحوه انتساب دوپینگ به ورزشکاران و

مسئولان(همان، مواد ۲۰ تا ۲۲)، نحوه آزمایش ورزشکاران (World Anti-Doping Prohibited List, ۲۰۱۰) تست های (Doping Agency, <http://www.wada-ama.org>, last visited May, ۲۰۱۱) آزمایشگاهی (World Anti-Doping) Agency, International Standard for Testing ۲۰۱۵, و ( [http:// wada-main-prod.s3.amazonaws.com](http://wada-main-prod.s3.amazonaws.com), last visited January, ۲۰۱۶) و حفاظت از اطلاعات محرمانه و شخصی ورزشکاران (International Standard) for the Protection of Privacy and Personal Information ۲۰۱۵, World Anti-Doping Agency, [http:// wada-main-prod.s3.amazonaws.com](http://wada-main-prod.s3.amazonaws.com), last visited January, ۲۰۱۶ اشاره می کند.

مجموعه مقررات موجود که چشم اندازی از "حقوق جهانی" قابل اعمال در مقابله با دوپینگ به شمار می آید، دستورالعملی کلی برای "دیوان داوری ورزش" نیز محسوب می گردد که به عنوان مرجعی بین المللی با اعمال و تفسیر متحدالشکل از مقررات موجود، نقشی محوری در تحقق عدالت در مقوله حقوق بین الملل ورزشی ایفا می نماید. (ماده ۱۳ قانون مقابله با دوپینگ)

به هر حال، گرچه حل و فصل اختلافات موجود در این مقوله عمدتاً خارج از حوزه مراجع قضایی و داوری ملی صورت می پذیرد، به ورزشکارانی که متهم به نقض هنجارهای مزبور می باشند، این فرصت داده می شود تا در صورت وجود، (۶) نخست در مراجع داوری داخلی ملی حاضر شوند و به دفاع از خود بپردازند (همان، بند ۱ ماده ۸ و بند ۳ ماده ۲۲) و در مرحله بعد در صورت فرجام خواهی قضیه، به دیوان داوری ورزش مراجعه نمایند. (همان، جزء اول بند ۲ ماده ۱۳) با این حال، در مواردی که قضیه مرتبط به دوپینگ در بازی های المپیک باشد، قضیه مستقیماً به هیأت های رسیدگی کننده دیوان داوری ورزش ارجاع می شود. (بر اساس قانون ۴۵ منشور المپیک)

### **تأسیس دیوان داوری ورزش در قلمرو حقوق بین الملل ورزش**

امروزه کمیته های ملی المپیک در بیش از ۲۰۰ کشور جهان به حمایت، تشویق و سرمایه گذاری در رقابت های المپیک مشغول اند. (۷) این کمیته ها از یک سو، موظف به رعایت مقررات و آئین نامه های کمیته بین المللی المپیک و از سوی دیگر، موظف به رعایت مقررات کشوری می باشند که در قلمرو آن به فعالیت می پردازند. به علاوه، بسیاری از نهادهای ملی که به تنظیم مقررات ورزشی در یک حوزه خاص کمک

---

<sup>۱</sup> Court of Arbitration for Sport

می‌کنند نیز موظف اند تا از مقررات فدراسیون‌های بین‌المللی که به تنظیم قوانین در سطح بین‌المللی مبادرت می‌ورزند و نیز مقررات داخلی ذی‌ربط تبعیت نمایند. (Mitten, 2005: 278-80) با این وصف، تعدد و تکثر قوانین ملی برای کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون بین‌المللی ورزش مناعی جدی در راستای اعمال و تفسیر یکسان قوانین و صیانت از آنها به حساب می‌آید (۸) و در صورت بروز هر گونه اختلافی در اعمال و تفسیر قوانین، اگر مراجع قضایی ملی به اختلافات رسیدگی کنند، تعارضی جدی میان ایده بین‌المللی‌گرایی<sup>۱</sup> و ملی‌گرایی<sup>۲</sup> مطرح خواهد شد؛ بدین ترتیب که گرچه باور به بین‌المللی‌گرایی مستلزم اعمال حقوق بین‌المللی ورزشی در یک چارچوب گسترده، جهانشمول و متحدالشکل است، در قالب ملی‌گرایی، با اعمال حاکمیت ملی شهروندان با ملیت خاص خود مورد حمایت قانونی قرار خواهند گرفت.

در سال ۱۹۸۱ توجهی جدی به ضرورت شکل‌گیری یک دادگاه داوری جهانی در مقوله ورزش مورد توجه همگان قرار گرفت (۹) و متعاقب آن در ۶ آوریل ۱۹۸۳ میلادی، دیوان داوری ورزش به عنوان یک دیوان اختصاصی داوری بین‌المللی در سوئیس شکل گرفت تا مرجعی بین‌المللی برای حل اختلافات موجود در مقوله حقوق بین‌الملل ورزشی باشد. (http://www.tas-cas.org, last visited 28,11,2015) این مرجع، محصول فعالیت یک گروه کاری در سال ۱۹۸۲ به سرپرستی قاضی «کبا ام. بای» برای حل اختلافات مزبور در این حوزه بود. (Reeb, 2006: 31-32) با این حال، این مرجع عملاً یک دادگاه حقوقی محسوب نمی‌شود، بلکه یک دیوان داوری است که طرفین صلاحیت و حدود اختیارات آن را تعیین می‌کنند.

پیش‌نویس قانون داوری در ورزش (Code of Sports-Related Arbitration, C.A.S.) که از سوی شورای بین‌المللی داوری ورزشی<sup>۳</sup> (۱۰) تنظیم گردید، به این دیوان مجوز رسیدگی بدوی و همچنین رسیدگی در مرحله تجدید نظر یا فرجام‌خواهی (رسیدگی ثانویه) از تصمیماتی که در مراحل اولیه توسط کمیته بین‌المللی المپیک یا فدراسیون بین‌المللی ورزش اتخاذ شده‌اند را می‌دهد. (بخش ۲۰ قواعد داوری دیوان) تصمیمات دیوان نیز در دو قالب اتخاذ می‌گردند: یا در قالب نظرات توافقی جهت حل اختلاف یا در قالب نظرات مشورتی در مسائل مربوط به حوزه ورزش که عمدتاً نظرات اخیر غیر الزام‌آور محسوب می‌شوند. (۱۱)

---

<sup>۱</sup> Internationalism

<sup>۲</sup> Nationalism

<sup>۳</sup> International Council of Arbitration for Sport (ICAS)

اعضای شورای بین‌المللی داوری ورزشی برای یک دوره ۴ ساله غیر قابل تمدید معرفی و متعهد می‌شوند اقداماتشان تا جای ممکن در راستای احترام به انصاف و معرفی عادلانه کشورها بر اساس فرهنگ‌های حقوقی مختلف صورت پذیرد. (بخش ۱۶ قواعد داوری دیوان) قانون حاکم بر آئین دادرسی دیوان مقرر می‌دارد: "دیوان مرکب است از یک پنجم اعضای کمیته بین‌المللی المپیک، یک پنجم اعضای فدراسیون بین‌المللی ورزش، یک پنجم از میان اعضای معرفی شده توسط کمیته‌های ملی المپیک، یک پنجم از اعضای نهادهای مستقل دخیل در امور ورزشی و یک پنجم افراد مدعی حمایت از حقوق ورزشکاران (بخش ۱۴ قواعد داوری دیوان) که در این حوزه متخصص و توانایی لازم جهت داوری را دارا باشند. در حال حاضر ۳۵۶ داور در این دیوان مشغول به کار می‌باشند که به طور معمول در هیأت‌های سه نفره به امر داوری مشغول اند. (List of CAS Arbitrators Per Nationality, Court of Arbitration for Sport, http://www.tas-cas.org last visited December, ۲۰۱۵) استقرار دیوان در سوئیس از حیث اعمال یک چارچوب دادرسی یکسان بر رسیدگی‌ها از مزیت‌های اصلی این مرجع داوری است. (۱۲) بر اساس قواعد دیوان، احکام صادره از این مرجع داوری نهایی و برای طرفین الزام‌آور است، (ماده ۵۹ قانون داوری دیوان) هرچند می‌توان تقاضای فرجام آنها را در دیوان فدرال سوئیس مطرح نمود. به هر حال، دادگاه اخیر اعلام نموده است که دیوان داوری ورزش، در صدور احکام خویش مستقل و بی‌طرف می‌باشد و احکامش به اندازه احکام صادره دیگر از مراجع قضایی یا داوری مستقل، معتبر است. (Pinna, ۲۰۰۵:۱۳-۱۴)

### **نقش دیوان داوری ورزش در تحول حقوق بین‌الملل ورزشی**

به‌زعم بسیاری، دیوان داوری ورزش را می‌توان از نمونه‌های موفق حل و فصل معضلات مربوط به یک حوزه خاص معرفی نمود. (Yi, op.cit, at ۲۹۰) (۱۳) همچنان که می‌تواند الگویی قابل ذکر برای سایر مراجع بین‌المللی باشد که قصد دارند تا به نوعی به موفقیت ضمنی دست یابند. این مرجع از آن حیث موفق بوده است که یک مرجع فراملی حل اختلافات صرف نظر از راهکارهای جایگزین محسوب می‌شود؛ تصمیماتی که از سوی این مرجع اتخاذ می‌گردند، به طور معمول توسط مراجع قضایی ملی مورد توجه قرار گرفته و اجرا می‌شوند. (Ibid, p. ۲۹۱)

به هر حال، به نظر می‌رسد که تحول در مفهوم و دامنه حقوق ورزش، که تا حد زیادی مدیون احکام صادره از دیوان داوری ورزش است، نمونه قابل توجه و بارزی از پلورالیسم حقوقی است که خود را از خلال



دعاوی میان اشخاص خصوصی متجلی می‌سازد. (Teubner, ۱۹۹۷: xiii) از این حیث شاید بتوان حقوق ورزشی را تا حدی با حقوق بازرگانان<sup>۱</sup> شبیه دانست، چرا که قسمت عمده و قابل توجهی از حقوق تجارت بین‌الملل در نتیجه آرای صادره از مراجع داوری در نتیجه اختلافات میان بازرگانان شکل گرفته و به خلق عرف بین‌المللی در این زمینه انجامیده است. (۱۴) در همین راستا می‌توان به محاکمی که به همت مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ICSID) تاسیس شده اند اشاره نمود. ایکسید، نهادی بین‌الدولی و سند موسس آن در مقام یک معاهده بین‌المللی می‌باشد. این نهاد ارتباطی ویژه با بانک جهانی ترمیم و توسعه دارد. (۱۵) ایکسید یک دادگاه بین‌المللی نیست، لیکن چارچوبی است که در قلمرو آن داوری و سازش می‌تواند صورت پذیرد. این نهاد ماهیتی دوگانه دارد، زیرا از سویی پدیدآورندگان آن دولت‌ها می‌باشند و از طرف دیگر، اشخاص خصوصی نیز می‌توانند نزد آن طرح دعوا نمایند. (۱۶) کنوانسیون ایکسید، هر دولت متعاقد را ملزم می‌سازد تا رای صادره بر طبق مقررات این کنوانسیون را معتبر و الزام‌آور بشناسد و الزامات مالی ناشی از آن را اجرا کند؛ به گونه‌ای که آن را به عنوان حکمی نهایی و صادر شده از دادگاه‌های داخلی خویش لحاظ نمایند. (شهبازی نیا، ۱۳۸۶: ۲۴۲) مقرر ایکسید در واشنگتن (در ساختمان بانک جهانی) می‌باشد. (۱۷) در هر حال، لازم است تا چالش میان رسیدگی‌های دیوان داوری ورزش و مراجع ملی از حیث همگرایی و واگرایی در گستره حقوق بین‌الملل از دو منظر مورد توجه جدی قرار گیرد. (وکیل، ۱۳۹۴: ۱۵۲) چنین بحثی در دو قالب قابل تأمل است: نخست) آنگاه که قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل ورزشی به طور مستقیم در مراجع قضایی ملی به چالش کشیده می‌شوند؛

دوم) زمانی که یک مرجع قضایی ملی حکم به مغایرت احکام صادره از سوی دیوان داوری ورزش با مقررات حقوق داخلی می‌دهد.

## **مواجهه دیوان بین‌المللی حقوق ورزش با دوپینگ و روند شکل‌گیری رویه منسجم بین‌المللی در این زمینه**

---

<sup>۱</sup> Lex Mercatoria

شکل‌گیری یک مرجع داوری بین‌المللی در حل اختلافات موجود در این حوزه نقشی اساسی در برقراری وحدت میان مقررات موجود در این حوزه ایفا می‌کند. شناسایی و اجرای حقوقی احکام صادره توسط دیوان داوری ورزش بر اساس کنوانسیون نیویورک، قابلیت است که به توسعه روزافزون مجموعه حقوق ورزشی در میان ۱۴۴ کشوری که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، کمک شایان توجهی می‌کند (۱۸) هرچند که بر اساس قسمت «ب» بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک در مورد اجرای احکام صادره توسط مراجع داوری، یک دادگاه ملی می‌تواند از شناسایی و اجرای احکام صادره توسط مرجع داوری در صورتی که آن را مغایر با امنیت عمومی‌اش تشخیص دهد، استنکاف ورزد. (New York Convention, V(۲)(b)).

در هر حال، جایگاه دیوان و از طرفی صراحت اساسنامه در امکان ورود دیوان به موارد دوپینگ می‌تواند زمینه‌ای را برای متحدالشکل کردن قواعد موجود در این زمینه فراهم آورد یا از رهگذر نمونه‌ای از رسیدگی‌ها به الگوهایی برای مقابله با دوپینگ در ورزش بینجامد. در اینجا تنها به نمونه‌ای از آرای صادره (۱۹) که اخیراً در موضوع مبارزه با دوپینگ صادر شده است، بسنده می‌کنیم.

در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۴ میلادی، روزنامه بریتانیایی "ساندی تایمز" و شبکه اول تلویزیون سراسری آلمان (ARD) به اسنادی دست یافتند که نشان می‌داد تقلب در ابعادی وسیع در بزرگ‌ترین مسابقات دو و میدانی جهان روی داده و بسیاری از قهرمانان مسابقات جهانی و المپیک با دوپینگ به مدال خود دست یافته‌اند (۲۰).

آژانس جهانی ضد دوپینگ (WADA) پس از انتشار گزارش‌ها در این باره در شبکه اول تلویزیون سراسری آلمان، اتهام‌ها را "هشداردهنده" خواند. در این گزارش‌ها آمده است که فدراسیون جهانی دو و میدانی (IAAF) در برخورد با ورزشکارانی با آزمایش‌های مشکوک به دوپینگ، کوتاهی کرده است.

کریگ ریدی، رئیس آژانس جهانی ضد دوپینگ در حاشیه کنگره کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) در کوالالمپور گفت: "ما از شنیدن ابعاد وسیع این اتهام‌ها شوکه شده‌ایم؛ اتهاماتی که پایه‌های سلامت دو و میدانی را در سطح جهان به لرزه در آورده است." او افزود: "این اتهامات برای تحقیقات دقیق‌تر به کمیسیون بی‌طرف آژانس تحویل داده خواهد شد." (۲۱)

دو کارشناس برجسته ضد دوپینگ روزنامه بریتانیایی "ساندی تایمز" و شبکه اول تلویزیون سراسری آلمان (ARD)، رایین پاریسوتو و میثائیل اشندن، تحقیق در باره نتایج ۱۲ هزار آزمایش خون حدود پنج‌هزار ورزشکار بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ را به عهده گرفتند. روزنامه بریتانیایی "ساندی تایمز" و شبکه اول

تلویزیون سراسری آلمان اعلام کرده‌اند که این آزمایش‌ها را از بانک اطلاعاتی فدراسیون جهانی دو و میدانی به دست آورده‌اند. این دو کارشناس رسانه‌ای هریک تحقیقات خود را به طور مستقل انجام داده‌اند و نتیجه تحقیق‌شان این است که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ از هر سه مدال به دست آمده در رشته دو و میدانی استقامت در مسابقات جهانی و المپیک دست‌کم یک ورزشکار مشکوک به دوپینگ است و این امر در ارتباط با ۵۵ مدال طلا صدق می‌کند. این کارشناسان ضد دوپینگ اعلام کرده‌اند که در برخورد با موارد متعدد آزمایش‌های دوپینگ در مهم‌ترین مسابقات جهانی کوتاهی شده و موارد مشکوک در این آزمایش‌ها بسیار زیاد هستند. به این ترتیب، بسیاری از ورزشکارانی که آزمایش‌های دوپینگ‌شان مشکوک بوده‌اند، به مقام قهرمانی المپیک و جهان رسیده‌اند.

شبکه اول تلویزیون سراسری آلمان در دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی سندی را منتشر کرد که بر مبنای آن ورزشکاران دو و میدانی روسیه به طور سیستماتیک دوپینگ می‌کنند. در این سند ادعا شده بود که در دوپینگ سیستماتیک ورزشکاران دوومیدانی روسیه، ورزشکاران، پزشکان، سرپرستان و حتی آژانس ضد دوپینگ این کشور نیز همکاری می‌کرده است. با این حال مسئله دوپینگ تنها مختص به روسیه نبود. بررسی بانک اطلاعاتی فدراسیون جهانی دو و میدانی نشان داد که در بررسی آزمایش‌های خون ورزشکاران، از هر هفت نفر یکی دارای نمونه‌های مشکوک و غیرطبیعی است. در واقع، خون نیمی از ورزشکاران یک کشور معین، نمونه‌های مشکوک و غیرطبیعی یکسانی را در خود دارند. (۲۲)

ریچارد مک لارن، رئیس کمیسیون تحقیقات "آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ" تایید کرد که وزارت ورزش روسیه در مسابقات المپیک زمستانی سال ۲۰۱۴ در سوچی روسیه، آزمایش‌های دوپینگ ورزشکاران روس را دستکاری کرده است. مک لارن درباره این گزارش ۱۰۰ صفحه‌ای که روز دوشنبه در تورنتو کانادا منتشر شد، گفت که به صحت نتایج این گزارش کاملاً اعتماد دارد. او گفت: "ما مدارک فراوانی داریم که هیچ شکی را در این زمینه باقی نمی‌گذارد." توماس باخ، رئیس کمیته بین‌المللی المپیک پس از انتشار نتایج تحقیقات گفته بود که کمیته بین‌المللی المپیک، سخت‌ترین تحریم را علیه روسیه اعمال خواهد کرد. انتشار گزارش مک لارن در ۱۸ ژوئیه تصمیم فدراسیون جهانی دو و میدانی را قوت بخشید. در ادامه، تعلیق و محرومیت فدراسیون دوومیدانی روسیه از همه رقابت‌های بین‌المللی از جمله مسابقات جهانی و المپیک ۲۰۱۶ رقم خورد. فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی روز ۱۳ نوامبر سال ۲۰۱۵ فدراسیون دو و میدانی روسیه را به دلیل لاپوشانی دوپینگ سازمان‌یافته ورزشکاران این کشور تعلیق کرد. از سوی دیگر،

ورزشکاران روسی و کمیته المپیک روسیه نتیجه فوق و روند پرونده مذکور را رضایت بخش قلمداد نکردند. الکساندر ژوکوف، رییس کمیته المپیک روسیه انشتار این گزارش را بخشی از نقشه "از پیش برنامه ریزی و طراحی شده" دانست که هدفش دور نگهداشتن ورزشکاران روس از المپیک است. سرانجام موضوع به دیوان داوری ورزش ارجاع داده شد. (۲۳)

دیوان بین‌المللی ورزش به اعتراض ۶۸ ورزشکار دو و میدانی روسیه برای محرومیت آنان از شرکت در المپیک ریودوژانیرو برزیل پاسخ منفی داد و این حکم را تایید کرد. این تصمیم برپایه گزارش "آژانس جهانی ضد دوپینگ" اتخاذ گردید. (۲۱) اهم موارد رسیدگی شده در دیوان به شرح زیر است:

آیا تعلیق فدراسیون دو و میدانی روسیه (RusAF) تحت قانون (a) ۲۲,۱ فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی (IAAF) به واجد شرایط بودن ورزشکاران روسی بسط می‌یابد؟

ورزشکاران روسی و فدراسیون دو و میدانی روسیه با برداشتی که از قاعده (a) ۲۲,۱ قوانین رقابت فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی مطرح نمودند، تقاضای تجدید نظر در تصمیم فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی را پیش کشیدند. قاعده فوق اذعان دارد :

"افراد ذیل باید برای مسابقات که تحت این قوانین یا قواعد یک منطقه یا یک عضو در نظر گرفته شده، واجد شرایط باشند. هر ورزشکار، پرسنل پشتیبانی از ورزشکار یا شخص دیگری: (الف) که فدراسیون ملی آن در حال حاضر توسط فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی معلق است. این در مورد مسابقات ملی که توسط اعضای فعلی معلق، برای شهروندان این کشور یا قلمرو سازمان یافته است، اعمال نمی‌شود." (۲۴)

به عبارت دیگر، مدعیان (شاکیان) "برای موارد دوپینگ، وفق قاعده فوق، استثنا می‌خواهند؛ به گونه ای که اگر تعلیق به دلیل کوتاهی فدراسیون جهت حصول اطمینان از سیستم کنترل موثر برای دوپینگ اعمال شد، عدم صلاحیت برای ورزشکاران وابسته به فدراسیون تعلیق شده ملی که عضو فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی هستند اعمال نگردد.

دیوان ادعای خواهان را نپذیرفت و قاعده (a) ۲۲,۱ را از عدم صلاحیت فدراسیون به ورزشکارانش قابل تسری و متعبر قلمداد نمود، زیرا دیوان "بازنویسی قوانین فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی" را خارج از وظایف و حیطه اختیارات خود دانست و تصریح کرد: "قدرت ایجاد قانون و تعادل در رویه آن بین طرفین رقابت کننده درگیر، در حیطه اختیارات نهاد های صالح ورزشی است که با در نظر گرفتن چارچوب کلی قانونی آن را اعمال می‌کنند". از سوی دیگر، دیوان تاکید نمود: "تعلیق فدراسیون دو و میدانی روسیه در

این داوری مورد بحث نیست، زیرا فدراسیون ورزشی روسیه (ARAF) تصمیم اولیه فدراسیون جهانی دو و میدانی در نوامبر ۲۰۱۵ را به چالش نکشید. در نتیجه، مناقشه استماع شده توسط دیوان صرفاً، پیامدهای تعلیق اعمال شده بر فدراسیون را برای ورزشکاران وابسته به فدراسیون روسیه در نظر می‌گیرد و نه دلایل تعلیق را".

همچنین، دیوان این دیدگاه را رد کرد که قاعده (a) ۲۲,۱ اعمال محرومیت و مجازاتی بابت دوپینگ است. در عوض، "قانونی است که بر صلاحیت ورزشکاران برای ورود به رقابت‌های بین‌المللی تأثیرگذار بوده و پیامد سازماندهی ورزش در عرصه جهانی است؛ فدراسیون‌های ملی، اعضای فدراسیون‌های بین‌المللی هستند و وظیفه دارند به تعهدات برآمده از چنین عضویتی احترام بگذارند". لذا قاعده (a) ۲۲,۱ قاعده‌ای کلی است و مختص به موارد دوپینگ نیست.

دیوان، قاعده (a) ۲۲,۱ را "پیامد ضروری مجازات اعمال شده بر فدراسیون دو و میدانی روسیه دانست و خاطر نشان نمود: " (این) ورزشکاران واجد شرایط نیستند، چون فدراسیون دو و میدانی روسیه مجازات شده و آن مجازات را پذیرفته است، نه به خاطر آنچه ورزشکاران انجام داده‌اند".

دیوان دریافت که "که این اثر (عدم صلاحیت رقابت در رقابت‌های بین‌المللی) در مورد ورزشکاران ثبت نام شده به همراه فدراسیون ملی تعلیق شده توسط فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی پیامد متناسب تعلیق فدراسیون ملی بابت کوتاهی در ارائه سیستم مناسب برای حفظ و آموزش ورزشکاران، بازی منصفانه و یکپارچگی ورزش است". در نگاه دیوان، "ریشه‌کنی دوپینگ در ورزش، حمایت ورزشکاران پاک، بازی منصفانه و یکپارچگی قطعاً اهداف مشروع برای عملی بودن ورزش در هر سطحی هستند که دارای اهمیت بسیاری می‌باشند". اقدام صورت گرفته توسط فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی و اثری که ایجاد می‌کند قابلیت دستیابی به آن اهداف را دارد. علاوه بر آن، اقدام صورت گرفته توسط فدراسیون برای رسیدن به هدفی که با آن روبرو هستند لازم است. اگر فدراسیون جهانی دو و میدانی نتواند گامی موثر بردارد، تعلیق فدراسیون روسیه هیچ تأثیر معنی‌داری نخواهد داشت". لذا "محدودیت‌هایی که ورزشکاران مذکور در نتیجه این اقدام متحمل می‌شوند، با منفعت کلی برای دستیابی به هدف پیش رو توجیه می‌شود."

در نهایت، داوری به این جمع‌بندی دست یافت: "قاعده (a) ۲۲,۱ از قوانین رقابت فدراسیون جهانی دو و میدانی در شرایط مناقشه کنونی معتبر و قابل اجراست. واجد صلاحیت بودن ورزشکار برای رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نمی‌تواند از وضعیت فدراسیون ملی وی جداانگاشته شود. به عبارت دیگر، ورزشکاران

به عنوان اعضای فدراسیون ملی بخشی از مسئولیت کوتاهی فدراسیون مربوطه در رعایت وظایفش را برعهده دارند. فدراسیون های بین المللی می توانند نسبت به اعضای خود در صورت عدم رعایت وظایفشان طبق کنوانسیون بین المللی ضد دو پینگ، مجازات های موثری را اعمال کنند. دیوان داوری ورزش تصریح نمود که به منظور عملکرد مناسب، کنوانسیون بین المللی ضد دو پینگ نیاز دارد که در سطح محلی مورد حمایت قرار گیرد و عدم رعایت باید با مجازات های موثری مواجه شود که لزوماً به ورزشکاران وابسته به فدراسیون ملی خاطی بسط خواهد یافت.

شاکیان مطرح نمودند که آیا کمیته المپیک روسیه می تواند علی رغم رضایت و تصمیم فدراسیون بین المللی دو و میدانی، ورزشکاران را جهت شرکت در المپیک ریو معرفی کند؟ داوری اذعان داشت: "وفق منشور المپیک (۲۳)، کمیته المپیک روسیه حق ندارد ورزشکارانی را که با توجه به قوانین (a) ۲۲,۱ و ۲۲,۱A رقابت فدراسیون بین المللی دو و میدانی واجد شرایط نیستند را معرفی کند".

درنهایت، آخرین مورد مطرح شده توسط شاکیان این است که آیا ورزشکاران روسی می توانند از طریق قانون (a) ۲۲,۱ واجد شرایط بودن را دوباره بدست آورند و به عنوان نمایندگان روسیه رقابت کنند یا خیر. دیوان اعلام می دارد: "وفق منشور المپیک، اگر ورزشکاران دو و میدانی روسیه طبق قاعده (a) ۲۲,۱ قوانین رقابت فدراسیون جهانی دو و میدانی واجد شرایط رقابت در بازی های المپیک ۲۰۱۶ باشند، کمیته المپیک روسیه حق دارد آن ها را به عنوان نمایندگان روسیه در رقابت وارد کند". در نگاه آن ها، "وفق منشور المپیک، فدراسیون نمی تواند مشخص کند که آیا یک ورزشکار واجد شرایط ورود به بازی های المپیک، باید به عنوان یک ورزشکار "بی طرف" رقابت کند یا به عنوان ورزشکاری که نماینده کمیته ملی المپیک است؟ به عبارت دیگر، "ورزشکارانی که به بازی های المپیک اعزام می شوند به عنوان ورزشکاران بی طرف اعزام نمی شوند، بلکه توسط کمیته های ملی المپیک اعزام می شوند". علاوه بر آن، "یک ورزشکار نماینده فدراسیون خود نیست؛ تعلیق فدراسیون، از ورود ورزشکار در بازی های المپیک به عنوان نماینده کمیته ملی المپیک خود ممانعت بعمل نمی آورد".

به هر حال دیوان این حقیقت را به رسمیت می شناسد که کمیته المپیک روسیه طبق منشور المپیک حق دارد هر ورزشکار دو و میدانی را که واجد شرایط رقابت تحت قاعده (a) ۲۲,۱ قوانین رقابت فدراسیون بین المللی دو و میدانی است را به عنوان نمایندگان روسیه به بازی های المپیک وارد کند، ولی به این معنی نیست که کمیته بین المللی المپیک ملزم به پذیرش معرفی شدگان به عنوان ورزشکاران نماینده روسیه

است". در مجموع، اعلام بی طرف بودن ورزشکاران وظیفه فدراسیون بین المللی دو و میدانی نیست، بلکه وظیفه کمیته بین المللی المپیک است. به هر روی، دیوان اجازه داد که کمیته بین المللی المپیک تصمیم بگیرد که ورزشکاران روسی تحت یک پرچم بی طرف رقابت کنند. لذا کمیته بین المللی المپیک می تواند به روسیه جهت رقابت در بازیهای المپیک ریو اجازه دهد و به این ترتیب اثرات منفی سازماندهی سیستم دوپینگ در یک کشور (آن طور که توسط گزارش مک لارن ارائه شد) را کاهش دهد. (۲۵)

نتیجه آن که، برخلاف کمیته بین المللی المپیک که تمایل اندکی برای انتقاد جدی از روسیه در اثنا پرونده فوق داشت، فدراسیون بین المللی دو و میدانی خطمشی پایداری اتخاذ کرده و با قوت یافتن احراز تخلف، فدراسیون ورزشی روسیه را به حاشیه راند. علاوه بر آن، به ورزشکاران روسی نیز اجازه نداد در المپیک ریو شرکت کنند و لذا مبارزه ضد دوپینگ را با مجازات نمادین و مهم تقویت نمود. درحقیقت، اگر نقض نظام مند قوانین ضد دوپینگ با مجازات های بازدارنده و صحیح همراه نباشد، سیستم ضد دوپینگ جهانی کارایی لازم را نخواهد داشت. تأملی در رأی صادره از دیوان در این قضیه در تکرار رویه از پیش موجود، مبین تلاش دیوان پایبندی به مقررات ضد دوپینگ است که هم در اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته و هم رویه جامعه بنی المللی موید توجه جدی به آن است و این امر می تواند در تثبیت و تنسيق قوانین ضد دوپینگ و اجرای آن در عمل مفید واقع شود.

## نتیجه گیری

سخن از جهانی شدن حکایت گر واقعیتی ملموس است که بر مبنای آن جنبه های گوناگون حیات بشریت چنان به یکدیگر وابسته شده است که اراده دولت ها چون گذشته تنها عامل تعیین کننده نمی باشد - بلکه عوامل متعددی بیرون از قلمرو حاکمیتی دولت ها نقش آفرینی می کنند. لذا همگرایی قوانین و مقررات موجود در موضوعات و حوزه های مختلف همراه با پذیرش واگرایی قوانین ملی و با خلق اصول و قالب هایی مشترک در میان موضوعات و حوزه های گوناگون، زمینه ساز همگرایی و وحدت حقوق بین الملل می شود.

ورزش به مثابه مقوله ای فراگیر، از قدرت سازماندهی و نفوذ فراوانی برخوردار می باشد. عنصر رقابت و مسابقه در کنش های ورزشی سبب پدیدار گشتن نظام داوری و تدوین قوانین گوناگون شده است. لذا به جاست که امروزه از بخش حقوقی و یا قضای ورزش و تربیت بدنی سخن گوئیم. ورزش اغلب تحت تاثیر

قوانین فرامرزی می باشد، زیرا بسیاری از تکاپوهای ورزشی ریشه در ورای مرزها دارند- لیکن گذشت زمان این جنبه فرامرزی بسیاری از کنش های ورزشی را کم رنگ نموده است.

در جهان امروز، ورزش بین المللی به ساختاری عظیم و به بزرگ ترین اتفاق بین المللی از حیث تجمع ملیت های گوناگون در یک محل (به هنگام برگزاری المپیک ها و مسابقات مختلف) تبدیل شده است. این تشکیلات وسیع و عظیم در جهان کنونی بیش از پیش نیازمند نظام حقوقی منسجم و قدرت تاثیر گذار فراهم کننده عدالت و رافع اختلافات پدیدارگشته در عرصه کنش ها و فعالیت های ورزشی می باشد.

امروزه، رژیم حقوق بین الملل ورزش جایگاه خود را در مجموعه حقوق بین الملل عمومی به خوبی تثبیت نموده است. حقوق بین الملل ورزش روشنگر چگونگی مشارکت در کنش ها و تکاپوهای ورزشی می باشد. مجموعه مقرراتی که شالوده و بنیان اصلی این رژیم محسوب می شوند، جایگاه نسبتاً قابل قبولی در میان دولت ها یافته اند؛ چنان که خلق رویه دیوان داوری ورزش و تبعیت این دیوان از مقررات مزبور نمودی خارجی از خواست و اراده افراد، دولت ها، فدراسیون های ملی و بین المللی و دیگر نهادهای دخیل در امر ورزش در مسیر همگرایی در این حوزه به حساب می آید. با تاسیس دیوان نامبرده در دهه ۱۹۸۰ میلادی زمینه ای برای رسیدگی به اختلافات ورزشی فراهم شد و ساختاری منسجم و مدون پدید آمد. این دیوان نمونه ای موفق در حل و فصل معضلات مربوط به حوزه ورزش بوده است، زیرا در مقام مرجعی فراملی تصمیماتی اتخاذ نموده که مراجع قضایی ملی ناگزیر از رجوع به آرای آن بوده و در عین حال مورد پذیرش سازمان های جهانی ورزشی نیز می باشد و قادر است به عنوان الگویی سازنده برای دیگر مراجع بین المللی قرار گیرد.

نقش دیوان داوری ورزش در تحول و توسعه حقوق ورزشی نقشی تعیین گر و پیشتاز بوده که خود جلوه و نمونه بارزی از پلورالیسم حقوقی می باشد. این پلورالیسم حقوقی بیانگر سیستمی مدرن از حقوق بین الملل است که وحدت در عین کثرت را متجلی ساخته است. روند جهانی شدن به طرح و پذیرش واژگان و ادبیات هنجاری خارج از قلمروی صرف حقوق بین الملل عمومی می پردازد و در حالی که مرزها را از میان بر می دارد، دستاورد های نوینی برای سیستم حقوق بین المللی به ارمغان می آورد. امروزه اهمیت اشخاص خصوصی و نقش ایشان در توسعه حقوق بین الملل امری قابل توجه و واقعیتی انکار ناپذیر است. نقش احکام صادره از دیوان داوری ورزش که از خلال دعاوی میان اشخاص خصوصی آشکار است، از این حیث قابل بررسی می باشد. لذا می توان به شباهت حقوق ورزشی با حقوق بازرگانان اذعان نمود، زیرا



بخش وسیعی از حقوق تجارت بین‌الملل در نتیجه احکام صادره از مراجع داوری در نتیجه اختلافات میان بازرگانان شکل گرفته و عرف بین‌المللی در این زمینه را ایجاد نموده است که مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ICSID) از آن زمره می‌باشد.

دیوان داوری ورزش در حوزه حقوق بین‌الملل ورزش، با رویه قضایی خویش و توسل به برخی اصول و هنجارهای مشترک، نشان داده است که در راستای روند جهانی شدن و در تلاش برای تثبیت برخی اصول مشترک به عنوان یک مرجع داوری در مقوله حقوق بین‌الملل ورزش تاثیر گذار و موفق بوده است. رویه دیوان در قضیه رأی صادره در قضیه دوپینگ ورزشکاران روسی مؤید این امر است.

با این حال، هنوز پاسخگویی به بسیاری از چالش‌های مطرح در این حوزه نیازمند توسعه رویه دیوان داوری ورزش، توجه بیشتر کمیته‌ها و فدراسیون‌های ملی به مقوله حقوق بین‌الملل ورزش و جایگاه این قوانین در حقوق بین‌المللی است که در مسیر جهانی شدن به سمت همگرایی بیشتر قوانین و نه واگرایی میان هنجارهای حقوق ملی و بین‌المللی گام بر می‌دارد. در این مسیر، شفافیت بیشتر در مسائلی چون دوپینگ که با مقررات حقوق بین‌الملل بشر و همچنین تجارت بین‌الملل در این حوزه پیوند خورده است و روزه روز به مدد پیشرفت علم و دانش و توسل به تکنولوژی‌های روز از ساختار پیچیده‌تری تبعیت می‌کند، می‌تواند به شفافیت بیشتر در این حوزه و تحقق وحدت در میان هنجارها کمک شایان توجهی نماید.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در واقع، "لکس اسپورتیوا"، تمامی مقررات بین‌المللی مرتبط با حقوق ورزشی را که مستقل از مقررات حقوق ملی در این زمینه خلق شده و به معرض اجرا در می‌آیند، شامل می‌شود.
۲. به طور معمول دوپینگ در ورزش به معنای استفاده از مواد شیمیایی و یا توسل به ابزار مصنوعی برای افزایش کارایی قابلیت‌های ورزشی است. به نظر می‌رسد ابداع واژه دوپینگ به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد که به الکل موجود در برخی نوشابه‌های الکلی با نام «دوپ» اشاره داشت در زمانی که برای برخی مراسم رقص و پایکوبی خاص در آفریقای جنوبی از آن استفاده می‌شد. نک:

Verroken Baillièrè's (۲۰۰۰) Clin Endocrinol Metab; ۱۴: ۱-۲۳. Cited by A. J. Higgins (۲۰۰۶) From ancient Greece to modern Athens: ۳۰۰۰ years of doping in competition horses Journal of Veterinary Pharmacology and Therapeutics V ۲۹ I s ۱ pp. ۴-۸.

۳. ارگان مزبور یک سازمان بین‌المللی خصوصی است که با هدف اولیه همکاری مؤثر، نظارت و حمایت از مقابله جدی و همه‌جانبه با دوپینگ در سطح بین‌المللی در زمینه ورزش شکل گرفته است. دستورالعمل‌هایی که این آژانس در مقابله با دوپینگ منتشر نموده و از اول ژانویه ۲۰۰۴ الزام آور شده است، به تبیین سیاست‌های ملی و بین‌المللی در مقابله مؤثر با دوپینگ اختصاص دارد.

۴. See, e.g., Council of Europe, Anti-Doping Convention, opened for signature Nov. ۱۶, ۱۹۸۹, C.E.T.S. No. ۱۳۵ (entered into force Mar. ۱, ۱۹۹۰).

۵. See, e.g., Lauri Tarasti, Legal Solutions in International Doping Cases: Awards by the IAAF Arbitration Panel ۱۹۸۵-۱۹۹۹ (۲۰۰۰).

نیز ر.ک: امیر ساعد وکیل، حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۴، ص ۸۰.

۶. برای مثال دیوان‌های مخصوص داوری در ورزش در کانادا، انگلیس و نیوزلند از این دسته مراجع اند.

۷. کمیته ملی المپیک ایران در ماه مه ۱۹۴۷ برابر با اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ تشکیل گردید و در سال ۱۳۲۶ به عضویت رسمی از سوی کمیته بین‌المللی المپیک پذیرفته شد. مکاتبات مسئولان ایران با مقامات کمیته بین‌المللی المپیک در لوزان و رئیس سوئدی آن زیگفرید اودستروم به نتیجه رسید و اعضای دائمی این ارگان در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۴۷ (۳۰ خرداد ۱۳۲۵) به عضویت رسمی ایران در این جرگه جهانی رأی موافق دادند و متعاقباً ایران توانست اولین هیئت ورزش را به بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ اعزام نماید. این کمیته که سازمانی است مستقل، غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی بر اساس ماده واحده مصوب نوزدهم تیر ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است در شمار موسسات عمومی غیر دولتی محسوب می‌شود. نک:

۸. See *Michels v. U.S. Olympic Comm.*, ۷۴۱ F.۲d ۱۵۵, ۱۵۹ (۷th Cir. ۱۹۸۴) (Posner, J., concurring).

۹. این مقوله بویژه با تأکید خوان آنتونیو سامارانش، رئیس فعلی کمیته بین‌المللی المپیک مورد توجه قرار گرفت.

Daniel H. Yi, Turning Medals into Metal: Evaluating the Court of Arbitration of Sport as an International Tribunal, ۶ *Asper Rev. Int'l Bus. & Trade L.* ۲۸۹, ۲۹۰ n.۷ (۲۰۰۶) (quoting Ian Blackshaw, Sports Court Getting Right Results, *Guardian*, June ۳, ۲۰۰۴,

۱۰. شورا مرکب از ۲۰ حقوقدان عالی رتبه است که بر سازمان، فعالیت ها و آئین رسیدگی و نحوه رسیدگی دیوان نظارت می‌کند.

۱۱. See [http://www.tas-cas.org/en/۲۰questions.asp/۴-۳-۲۳۰-۱۰۱۰-۴-۱-۱/۵-۰-۰-۱۰۱۰-۱۳-۰-۰\(۱۰,۵. ۲۰۱۱\)](http://www.tas-cas.org/en/۲۰questions.asp/۴-۳-۲۳۰-۱۰۱۰-۴-۱-۱/۵-۰-۰-۱۰۱۰-۱۳-۰-۰(۱۰,۵. ۲۰۱۱)).

۱۲. See Gabrielle Kaufmann-Kohler, Identifying and Applying the Law Governing the Arbitration Procedure – The Role of the Law of the Place of Arbitration, in Improving the Efficiency of Arbitration Agreements and Awards: ۴۰ Years of Application of the New York Convention ۳۳۶, ۳۴۸ (Albert Jan van den Berg ed., ۱۹۹۹).

۱۳. See also Lisa B. Bingham, Control over Dispute-System Design and Mandatory Commercial Arbitration, ۶۷ Law & Contemp. Probs. ۲۲۱, ۲۴۵ (۲۰۰۴).

نیز ر.ک: کیوان شعبانی مقدم و ابوالفضل فراهانی، بررسی میانجیگری به عنوان شیوه ای برای حل و فصل اختلافات در دیوان بین المللی حکمیت در ورزش، پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، س ۴، ش ۳ (۱۵ پیاپی)، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۴۰.

۱۴. See, Arbitration CAS ۹۸/۲۰۰, AEK Athens v. Union of European Football Ass'n (UEFA), award of Aug. ۲۰, ۱۹۹۹, § ۱۵۶.

۱۵. The International Centre for the Settlement of Investment Disputes(ICSID).On This Centre see:<http://www.worldbank.org/icsid/index.html>,( last visited December, ۲۰۱۵)

۱۶. See G.Delaume, ICSID Arbitration : Practical Considerations, ۱۹۹۸ ۱(۲) Journal of International Arbitration ۱۰۱.

۱۷. The International Centre for the Settlement of Investment Disputes(ICSID).On This Centre see: <http://www.worldbank.org/icsid/index.html>(Last Visited November ۲۰۱۷)

۱۸. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, United Nations Treaty Collection (Sept. ۹, ۲۰۱۰), <http://treaties.un.org/pages/participationstatus.aspx>

۱۹. [http://www.tas-cas.org/fileadmin/user\\_upload/Award\\_۴۶۸۴\\_\\_internet\\_.pdf](http://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/Award_۴۶۸۴__internet_.pdf)(Last Visited November ۲۰۱۷)

۲۰. [http://features.thesundaytimes.co.uk/web/public/۲۰۱۵/the-doping-scandal/index.html#/\(۱۲/۱۱/۲۰۱۷\)](http://features.thesundaytimes.co.uk/web/public/۲۰۱۵/the-doping-scandal/index.html#/(۱۲/۱۱/۲۰۱۷))

۲۱. see <https://www.theguardian.com/sport/blog/2016/jul/24/ioc-chaos-russia-olympics-rio-2016-doping>(۹/۱۱/۲۰۱۷)

۲۲. <https://www.theguardian.com/sport/2016/oct/27/wada-serious-failings-rio-2016-olympics-anti-doping>(۱۷,۱۱,۲۰۱۷)

۲۳.

[http://www.tascas.org/fileadmin/user\\_upload/Award\\_۴۶۸۴\\_\\_internet\\_.pdf](http://www.tascas.org/fileadmin/user_upload/Award_۴۶۸۴__internet_.pdf)  
(۱۷/۱۱/۲۰۱۷).

۲۴. کمیته المپیک روسیه و ۶۸ تن از ورزشکاران دو و میدانی این کشور در اعتراض به این حکم، به دیوان بین‌المللی ورزش شکایت کردند.

۲۵. پس از صدور حکم محرومیت توسط دیوان بین‌المللی ورزش، یک سخنگوی کاخ کرملین در نخستین واکنش ضمن ابراز تاسف از این حکم گفت که مسکو آن را تحلیل خواهد کرد. ویتالی موتکو، وزیر ورزش وقت روسیه گفت که گام‌های ممکن علیه این تصمیم بررسی خواهد شد.

<https://www.iaaf.org/download/download?filename=۸۹ed۴cba-۶b۵e-۴۹fe-a۴۳e...pdf>(Last Visited November ۲۰۱۷).

۲۶. منشور المپیک، مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌هایی است که به منظور سازماندهی بازی‌های المپیک و هدایت جنبش المپیک وضع شده‌اند. این منشور برپایه اساسنامه و قوانین و اصول اساسی کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) تصویب گردیده و آخرین بار در ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ به روزرسانی شده است.

## منابع

- آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۲). **حقوق ورزشی**. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- شعبانی مقدم، کیوان. (۱۳۹۳). **دیوان بین المللی حکمیت در ورزش**. تهران: انتشارات شهردانش
- شعبانی مقدم، کیوان؛ طاهری، حمیدرضا و یوسفی، بهرام. (۱۳۹۲). **حقوق ورزشی**. تهران: انتشارات شهر دانش
- شعبانی مقدم، کیوان و فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۹۴). "بررسی میانجیگری به عنوان شیوه ای برای حل و فصل اختلافات در دیوان بین المللی حکمیت در ورزش". پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۴، شماره ۳ (۱۵ پیاپی).
- شهبازی نیا، مرتضی. (۱۳۸۶). **حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی**. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- فراهانی، ابوالفضل؛ وطن دوست، مریم و نصیرزاده، عبدالمهدی. (۱۳۹۴). **حقوق ورزشی**. تهران: انتشارات حتمی
- وکیل، امیر ساعد. (۱۳۹۴). **حقوق بین الملل ورزش و فوتبال**. تهران: موسسه علمی و فرهنگی مجد
- Bingham, Lisa B. (۲۰۰۴). "Control over Dispute-System Design and Mandatory Commercial Arbitration". ۶۷ Law & Contemporary Problems.pp. ۲۲۱- ۲۵۱
- Delaume, G. (۱۹۹۸). "ICSID Arbitration: Practical Considerations". ۱(۲) Journal of International Arbitration. ۱۰۱.
- Dirix, Albert, and Xavier Sturbois. (۱۹۹۸). **The First Thirty Years of the International Olympic Committee Medical Commission ۱۹۶۷-۱۹۹۷**. Lausanne: International Olympic Committee (IOC Booklet Series, "History and Facts").
- Donohoe, Tom and Neil Johnson. (۱۹۸۶). **Foul play-drug abuse in sport**. Oxford: Basil Blackwell

- Dubin, Charles, L. (1990). **Commission of Inquiry into the Use of Drugs and Banned Practices Intended To Increase Athletic Performance.** Ottawa: Canadian Government Publishing Centre
- Higgins, A. J., (2006). "From Ancient Greece to Modern Athens: 3000 Years of Doping in Competition Horses". *Journal of Veterinary Pharmacology and Therapeutics*. V. 29.
- Houlihan, Barrie. (1999). **Dying To Win: Doping in Sport and the Development of Anti-Doping Policy.** Strasbourg: Council of Europe Publishing
- Jacobs, James, B. & Samuels, Bruce. (1990). "The Drug Testing Project in International Sports: Dilemmas in an Expanding Regulatory Regime". *Hastings International and Comparative Law Review*. pp. 007-19.
- Kaufmann, Kohler, Gabrielle. (1999). "Identifying and Applying the Law Governing the Arbitration Procedure - The Role of the Law of the Place of Arbitration, in Improving the Efficiency of Arbitration Agreements and Awards: 40 Years of Application of the New York Convention". ICCA International Arbitration Conference, Paris, 1998. The Hague and Cambridge.
- Mazzucco, Marcus, F. (2010). "Lex Sportiva and the Regulation of Doping in International Sport Law". Villanova International Law Society Annual.
- Mitten, Matthew J. et al. (2000). **Sports law and regulation: cases, materials, and problems.** Aspen Publishers
- Pinna, Andrea. (2000). "The Trials and Tribulations of the Court of Arbitration for Sport: Contribution to the Study of the Arbitration of Disputes Concerning Disciplinary Sanctions". 1-2 *International Sports Law Journal*.

- Reeb, Matthieu. (2006). **The Role and Functions of the Court of Arbitration for Sport (CAS), in The Court of Arbitration for Sport 1984-2004**. The Hague : T.M.C. Asser
- Tarasti, Lauri. (2000). **Legal Solutions in International Doping Cases. Awards by the IAAF Arbitration Panel 1980-1999**. Milan:
- Teubner, Gunther. (1997). **Global Law without a State**. Brookfield, Vt: Dartmouth.
- Verroken, Michele. (1996). **"Drug Use and Abuse in Sport"**. In *Drugs in Sport* (David R. Mottram ed., 2d ed.).
- Verroken, Michele & David Mottram, R. (1996). **"Doping Control in Sport"**. In *Drugs in Sport* (David R. Mottram ed., 2d ed.).
- Yi, Daniel H. (2006). **"Turning Medals into Metal: Evaluating the Court of Arbitration of Sport as an International Tribunal"**. 6 *Asper Rev. International Business & Trade Law*. (Quoting Ian Blackshaw, Sports Court Getting Right Results, Guardian, June 3, 2004).

# Anti- doping Rules and the Place of Court of Arbitration in Regulating the Precedent of Lex Sportiva

**Aramesh Shahbazi**

Ph.D., Assistant professor in International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

**Pouya Berelian**

Master Degree in International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

*Received: 10 Mar. 2017*

*Accepted: 31 Oct. 2017*

The study is to examine the structure and functions of the Court of Arbitration for Sport (CAS) in order to highlight a number of problems concerning judicial activities at the global level. First we will outline CAS' organization and functions, from its inception to the present date. Then we will focus on the role of CAS in making lex sportiva, and it will take into account three different functions: the development of common legal principles; the interpretation of global norms and the influence on sports law-making; and the harmonization of global sports law. As a result, the analysis of CAS and its role as law-maker, in fact, allows us to shed light on broader global governance trends affecting areas such as the institutional design of global regimes, with specific regards to the separation of powers and the emergence of judicial activities in realm of international sport law.

**Keywords:** Court of Arbitration for Sport, International Football Federation, National Football Federation, International Committee of Olympic, Anti-doping Rules and Lex Sportiva